دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان فقه تربیتی
سال سیزدهم/ شماره ۲۱/ بهار و تابستان ۱۴۰۰

Two quaterly scientific- specified educational jurisprudences association
Years 13, No.21, Autumn & Winter 2021

# معنایابی و کاربردهای تربیت عقلانی در قرآن کریم

□ محمدحسن فیاض*

## چکیده

معناشناسی و مفهوم‌یابی مسایل تربیتی در منابع اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است و در این میان یکی از واژه‌های مهم و کاربردی در قرآن کریم، عقل یا تربیت عقلانی است. این استعداد و نیروی الهی که خداوند برای بشر ارزانی داشته و در ذات او نهفته است در زندگی انسان‌ها بسیار اساسی و کاربردی است؛ زیرا فساد و صلاح مادی و معنوی با مقیاس و میزان تعقل مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. باتوجه به یافته‌های لغوی، اصطلاحی، هستی و چیستی، واژه عقل نیروی فوق العاده و موجود مجرد غیرمادی در وجود انسان است. گزینش و تشخیص خوبی و بدی راه‌هایی مختلف و گوناگون به عهده نیروی عقلانی انسان است و مهمتر از همه اینکه، این ساحت وجودی بشر قابلیت تربیت و پرورش را دارد و به واسطه این بعد مهم هدایت و راهبری در حوزه زندگی مادی و معنوی مقدور خواهد بود.

آیات تعقل شامل حوزه تکوینی و تشریعی می‌گردد، حوزه تکوینی بحث از جهان هستی و نشانه‌های خداوند است که فرد را به سمت وسوی معبود واحد و مبدأ و معاد هدایت می‌کند. در حوزه تشریعی بیشتر شامل نظام و قوانینی می‌گردد که مربوط به زندگی اجتماعی انسان‌ها و روابط آن‌ها با دیگران، اعم از خداوند و مردم می‌گردد و در صورت استفادة درست از نیروی عقلانی، سیستم و نظام اجتماعی سالمی که براساس دستورات الهی است پایه‌ریزی خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت، عقل، تربیت عقلانی و قرآن کریم

---

* دکتری روانشناسی تربیتی جامعة المصطفی ﷺ العالمیة.

## مقدمه

یکی از مباحث مهم و اساسی، یافتن معنا و مفهوم «عقل» و «تعقل» در قرآن کریم است. این کلمه و واژه هم در قرآن و نیز در حوزه انسان شناسی که یکی از ابعاد وجودی انسان را تشکیل می‌دهد، نظریات بسیاری را در خود جلب نموده است. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و همچنین لغت دانان دانش مفردات الفاظ عرب و به خصوص در حوزه مفهوم شناسی قرآن کریم؛ تئوری پردازی و معنایابی نموده و نظر داده‌اند.

بدین جهت بررسی مفهوم تعقل و عقل که در ادبیات عرب به گون‌هایی مختلف فعلی و اسمی به کار رفته و در بسیار از آیات قرآن کریم هرچند به صورت فعلی ذکر شده ولی این کلمه ده‌ها بار در سوره‌ها و آیات به صورت‌های گوناگون آمده است، بدین جهت اهمیت و ضرورت خاصی دارد تا کلمه«عقل» و «تعقل» در قرآن کریم ریشه‌یابی گردیده و معنای اصلی و درست در قلمروها و کاربرد آن، مورد توجه و اهتمام قرار گیرد.

تربیت عقلانی نیز یکی از مباحث جدی و زیربنای به عنوان یک ساحت و بعد مهم وجودی انسان در میان دانشمندان تعلیم و تربیت مطرح بوده و این ساحت مورد ارزشیابی و تحلیل از جهات گوناگون قرار گرفته است. بدین جهت اهمیت مباحث عقلانی هم از نظر ریشه‌یابی و معناشناسی و نیز از جهت پرورش و شکوفایی این استعداد الهی با توجه به منابع اسلامی و قرآنی بسیار برجسته و سازنده است. این پژوهش نیز با توجه به همین رویکرد در صدد است مهم‌ترین این مباحث را بررسی کند تا هم معنای درستی را با توجه به لغت دانان بیابند و همچنین تربیت عقلانی را براساس آیات قرآن کریم و نظرات مربیان تعلیم و تربیت بررسی نماید.

لازم به یادآوری است که بحث از تربیت عقلانی بسیار گسترده است. در اینجا به برخی از موضوعات زیربنایی و اساسی؛ یعنی تربیت‌پذیری و هدایت‌گری عقل با توجه به آیات و دیدگاه‌های مربیان، پرداخته است. زیرا اگر عقل قابلیت تغییر و تربیت را داشته باشد، می‌توان به سمت و سویی پرورش داد تا نقش هدایت و جهت‌دهی عقل برجسته گردیده و به مسیری درستی رهنمون گردد. به نظر می‌رسد در اینجا بیشتر از آن نیاز نباشد زیرا هم تربیت و

دگرگونی عقل به اثبات رسیده و نیز در سایه آن جنبه هدایت انسان تحقق یافته است.

## ریشه‌یابی لغوی عقل

ریشه تعقل از عقل است. عقل اصل واحد منقاس مطرد یدل عظمه علی حبسة فی الشئ... العقل و هو المحابس عن ذمیم القول والفعل(ابن فارس بن زکریا،۱۴۱۰۴ق:ج۴: ۶۹ذیل واژه عقل) العقل:أن الاصل واحد فی المادة: هو تشخیص الصلاح والفساد فی جریان الحیاة مادیا او معنویا ثم ضبط النفس و حبسه علیها.(مصطفوی،۱۳۶۰:ج۸ : ۱۹۶). العقل:الحجر والنهی ضدالحمق والجمع العقول(ابن منظور،ج۱۱، ۸ ۴۵). التعقل: صاحبه عن التورط(هلاکت) فی المهالک ای حبسه.(همان).

«عقل» در فرهنگ‌های لغت عربی هم به صورت فعل آمده است و هم به صورت اسم. از این رو هم معنای مصدری دارد و هم معنای اسمی. راغب در مفردات، این دو معنا را چنین بیان می‌کند: (۱) «القوة المتهیئة لقبول العلم; (۲) العلم الذي یستفیده الانسان بتلك القوة» به عبارت دیگر«العَقْل یقال للقوّة المتهیّئة لقبول العلم، و یقال للعلم الذي یستفیده الإنسان بتلك القوّة عَقْلٌ»(راغب اصفهانی،۱۴۳۲ق: ۵۷۷) پس«عقل» معانی اسمی متعددی دارد، در این میان، به دو معنای آن، که بیش‌تر به این بحث مربوط است، اشاره گردید.

## مفهوم اصطلاحی عقل

به اعتقاد برخی خلقت و آفرینش عقل به صورت رمزی است که حقیقت آن را جز خداوند هیچ کسی نمی‌داند. لذا نمی‌توان انتظار داشت که تحقیقات علمی، بتواند ذات نیروی عقل را کشف کند، ولی از طریق ویژگی‌ها و علایم، می‌توان تعریف نمود. نخستین آفریده، آفرینش عقل از نور و حق‌گرایی محض، از خصایصی است که عقل را براساس آن تعریف نموده‌اند.(محمدی‌ری‌شهری،۱۳۷۸: ۳۶).

بنابراین معنای‌یابی عقل در اصطلاح به صورت‌های گوناگون و مختلفی از سوی دانشمندان ارائه گردیده است. عقل گاهی در برابر وحی به کار می‌رود و منظور از آن مجموعه

علوم و معارفی است که انسان با قدرت عقلی خود کسب می‌کند، برخلاف علوم وحیانی که از عالم غیب می‌رسند و انسان – از آن حیث که انسان است – در آن‌ها نقشی ندارد. عقل در این نگاه، شامل همه علوم و معارف بشری می‌شود، چه علومی که از راه مشاهده و آزمایش حاصل می‌گردد و چه علومی که نتیجه استدلال و برهان هستند. بدین جهت علوم فلسفی، علوم تجربی و علوم نقلی و تاریخی، همگی حاصل تلاش عقلانی بشر هستند و در این مجموعه عظیم، قرار می‌گیرند. اما گاهی عقل معنای خاص‌تری می‌یابد و در مقابل علوم تجربی و نقلی قرار می‌گیرد.

استفاده و استعمال این دو معنا از «عقل» در کلمات اندیشمندان شایع است. مثلا «دفاع عقلانی از دین» را گاه به معنای اثبات حقانیت گزاره‌های دینی می‌گیرند و از اثبات هم همان معنایی را اراده می‌کنند که در منطق و ریاضیات موردنظر است؛ گاهی هم به معنای ارائه وجه ترجیح اعتقاد به گزاره‌های دینی است. بنابراین «تعقل» در این‌جا به معنای مسیری است که ذهن برای پاسخ به مجهولات طی می‌کند؛ یعنی تفکری همراه با استدلال بر پایه قواعدی معین و پذیرفته شده. (امینی،۱۳۹۵با استفاده از سایت حوزه نیت).

بنابراین عقل، به معنای فهم، معرفت و درک است که در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته است. به نیرویی که آماده قبول علم است و نیز به علمی که به وسیله این نیرو به دست می‌آید، عقل گفته می‌شود. عقل به معنای اسمی در قرآن کریم نیامده و فقط به صورت فعل به کار رفته است.(کریمی،۱۳۸۹: ۵۵۰-۵۴۹).

## مفهوم تربیت عقلانی

بعد از بررسی و مفهوم‌یابی کلمه عقل مناسب به نظر می‌رسد که معنای تربیت عقلانی که یکی از مباحث مهم در حوزه علوم تربیتی است، مورد توجه قرار گیرد. منظور از تربیت عقلانی که ترکیب از تربیت و عقل است چیست؟ دیدگاه‌های متفاوت ارائه گردیده و از مجموع آن می‌توان گفت که:«تربیت عقلانی فعالیتی است منظم و هدفمند در جهت شکوفاسازی نیروی فکر و اندیشه متربی براساس اصول حاکم بر فرایند تربیت و با استفاده از

روش‌های مناسب تربیتی؛ به گونه‌ای که خود متربی با فکر و اندیشه خویش چیزی را بشناسد، باور کند، تصمیم بگیرد و به آن عمل نماید»(احسانی،۱۳۹۳: ۳۹). در این تعریف هم به جنبه شناخت توجه گردیده و هم به جنبه عمل که اگر یکی از آن‌ها نباشد فرایند تربیت قطعا به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

## هستی و چیستی عقل

هستی شناسی عقل ناظر به اصل وجود نیروی عقلانی انسان و چیستی عقل اشاره به ماهیت و خصوصیات آن دارد. در باب هستی شناسی عقل می‌توان گفت که نیرویی به نام عقل در نهاد انسان وجود دارد و نیاز به تبیین و توضیح ندارد زیرا هرکسی در خودش در میابد که قدرت درک، فهم و تشخیص بسیاری از مسایل را در زندگی خود دارد. هرگاه انسان بخواهد از میان گزینه‌های مختلف یکی را برگزیند با تجزیه و تحلیل عقلی انجام می‌دهد. بنابراین ماورای جسم و ظاهربدن چیزی هست که شالوده اندیشه انسان را تشکیل می‌دهد و آن عقل است و هرکسی آن را با وجدانش در میابد.(احسانی،۱۳۹۳: ۶۱)

منظور از چیستی عقل بیان نحوه هستی آن است که ماهیت مادی دارد یا مجرد. برپایه سخنان بزرگان فلسفه و اخلاق عقل مجرد از ماده است و به نفس ناطقه تعلق دارد و کاربرد آن در دو حوزه ادراک و عمل از نوع تجزیه و تحلیل اطلاعات، تصمیم‌گیری‌ها و تشخیص خوبی و بدی ظهور و بروز پیدا می‌کند.(احسانی،۱۳۹۳: ۶۳-۶۴).

## بررسی و ارزشیابی

با توجه به یافته‌های لغوی، اصطلاحی، هستی و چیستی، واژه عقل نیروی فوق العاده و موجود مجرد غیرمادی در وجود انسان است. تشخیص خوبی و بدی گزینش یکی از راه‌هایی مختلف و گوناگون به عهده نیروی عقلانی انسان است. مهمتر از همه اینکه این ساحت وجود بشر قابلیت تربیت و پرورش را دارد و به واسطه این بعد مهم هدایت و راهبری در حوزه زندگی مادی و معنوی مقدور خواهد بود.

با این همه به نظر می‌رسد دانشمندان نتوانسته‌اند تعریف دقیقی از عقل ارائه دهند هرچند

از نظر معنای لغوی تا حدودی روشن و برجسته است و به نظر می‌رسد تعریف لغوی که از التحقیق مصطفوی به دست می‌آید یا همان نیروی که انسان به واسطه آن صلاح را از فساد تشخیص داده و نفس انسان را از مفسده باز می‌دارد مناسب باشد که از نگاه لغوی بیشتر از این هم انتظاری نیست و به نحوی مقصود را می‌رساند. ولی در معنای هستی شناسی چندان معلوم و مشخص نیست که عقل چگونه موجود مجردی از ماده است و تعریف آن بیشتر از روی نشانه‌ها و علایم بوده و گاهی با مقایسه به اضداد آن مانند جهل، سفاهت و حمق تعریف نموده و یا عقل را یک امری بدیهی دانسته‌اند. با این همه جای شکی نیست که موجودی به نام عقل در وجود انسان نهفته است هرچند ممکن است با ابزار حسی و تجربی قابل آزمایش و مشاهده عینی نباشد اما اصل وجودش تردید بردار نیست و اینکه چه رابطة با سایر عناصری همانند تفکر و اندیشه، نفس، روح، قلب و جسم انسان دارد، جای بحث و بررسی زیادی دارد.

## واژگان تعقل در قرآن کریم

در قرآن کریم۴۹ بار کلمه تعقل به صورت فعلی به کار رفته که بر اساس تحقیقات لغویان، ریشه آن عقل است. سوره بقره آیاتی:۴۴، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۴۲. سوره العمران آیاتی:۶۵، ۱۱۸. سوره مائده آیاتی:۵۸، ۱۰۳. سوره انعام آیاتی:۳۲، ۱۵۱. سوره اعراف آیه:۱۶۹. سوره انفال آیه:۲۲. سوره یونس آیاتی:۱۶، ۴۲ و ۱۰۰. سوره هود آیه:۵۱. و به طورکلی واژه تعقل ۲۴بار، واژه یعقلون ۲۲ بار، عقلوا، یعقل و نعقل هرکدام یکبار در قرآن کریم آمده است(کرمانی،۱۳۹۱: ۲۹).

## واژگان هم‌معنا در قرآن کریم

واژه‌های مشابه و زیادی مانند اولوالالباب و غیره هم به معنای عقل آمده است که در پی به آن اشاره خواهد شد.

برخی واژه‌های که هم‌معنا ونزدیک به معنای عقل در قرآن کریم به کار رفته است عبارتند از:۱.لب«و مایذکر إلا أولوا الألباب»(بقره:۲۶۹)؛ و جز خردمندان،(این حقایق را درک

نمی‌کنند، و)متذکر نمی‌گردند. ۲.نُهیه«إن فی ذلک لأیات لأولی النهی»(طه:۵۴)؛ در این‌ها نشانه‌های روشنی برای خردمندان است. ۳.حجر«هل فی ذلک قسم لذی حجر»(فجر:۵)؛ آیا در آن‌چه گفته شد، سوگند مهمی برای صاحب خرد نیست؟ این کلمه در زبان عرب به معنای منع و بازداشتن است و از این جهت به مفهوم عقل به کار می‌رود که انسان را از خطر هوای نفس باز می‌دارد. ۴. قلب«إن فی ذلک لذکری لمن کان له قلب»(ق:۳۷)؛دراین تذکری است برای کسی که عقل دارد. واژه قلب از آن جهت به مفهوم عقل به کار می‌رود که مرکز فهم و ادراک است. ۵. بصیرت«من إله غیر الله یأتیکم بلیل تسکنون فیه أفلا تبصرون»(قصص:۷۲)؛کدام معبود غیر از خداست که شبی برای شما بیاورد تا در آن آرامش یابید؟ آیا نمی‌بینید؟ واژه بصیرت از این جهت با مفهوم عقل و تعقل ارتباط دارد که انسان با بصیرت درک عمیقی نسبت به موضوع داشته و با تعقل و خردوزی به آن موضوع دست می‌یابد. ۶. علم«و إن أوهن البیوت لبیت العنکبوت لو کانوا یعلمون»(عنکبوت:۴۱)؛در حالی که سست‌ترین خانه‌ها خانهٔ عنکبوت است اگر می‌دانستند. در این گونه موارد متعلق علم مانند ناپایداری خانهٔ عنکبوت بر کسی پوشیده نیست اما درک آن نیاز به تأمل و تفکر دارد، از این رو هدف این آیات تعقل و خردورزی مخاطبان است تا به حق برسند و هدایت شوند. ۷. حکمت«لقد آتینا لقمان الحکمة»(لقمان:۱۲). عقل و حکمت هردو به معنای منع و بازداری از انحراف هستند و در قرآن نیز کاربرد یکسانی دارند. ۸. فکر. ۹. ذکر نیز با مفهوم عقل و تعقل نزدیک است.(ر.ک احسانی،۱۳۹۳: ۴۰- ۴۶) برخی احلام را نیز به معنای عقل به کار برده است(ربانی‌گلپایگانی،۱۳۹۲: ۴۰). همچنین واژه‌های تفکر و فقه که به ترتیب ۱۸ و ۲۰بار به صورت فعلی به کار رفته از معانی نزدیک به تعقل برخوردار هستند.(کرمانی،۱۳۹۱: ۶۵)

بنابراین، در قرآن مجید، «عقل» به صورت اسم و حتی مصدر وجود ندارد.استعمالات عقل در قرآن به این صورت است: «تعقلون» ۲۴ بار، «یعقلون» ۲۲ بار، «یعقلها» ۱ بار، «نعقل» ۱ بار، و «عقلوه» ۱ بار. بنابراین، برای بررسی معنای «عقل» در قرآن، صرف‌نظر از معانی اسمی آن، تنها معنای مصدری آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. (همان).

## قلمرو و گستره عقل در قرآن کریم

بحث از اینکه عقل چه گستره و قلمروی را شامل می‌شود، شاید یکی از مباحث کلان و جدیدی باشد تا موضوعات مختلف و جایگاه آن مورد بررسی و استدلال قرار گیرد. در این تحقیق جای این مباحث نخواهد بود. اما با توجه به آیاتی که کلمه «یعقلون»، «تعقلون» و... در آن استفاده شده و واژگان هم‌معنای که در قرآن کریم به کار رفته و کاربردهای آن، اشاره کوتاه به قلمروهای آن خواهیم داشت.

### ۱. تکوینی یا طبیعی

برخی از آیات قرآن کریم در حوزه عقلانی شامل مباحث تکوینی یا طبیعی مربوط به جهان هستی‌اند. آیاتی که خلقت آسمان‌ها و زمین، اختلاف شب و روز و تغییرات طبیعی را مطرح می‌کنند و بیشتری این گونه آیات به عنوان نشانه و علامت از وجود خالق هستی برای کسانی که دارای عقل و تفکر هستند می‌باشند؛ یعنی این گونه آیات ناظر به امر تکوینی دارد.

«و فی‌الارض قطع متجاورات...ان في ذلك لآيات لقوم يعقلون» (رعد: ۴)؛ معنای کل آیه عبارتند از:و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند؛ و (نیز) باغهایی از انگور و زراعت و نخلها،(و درختان میوة گوناگون) که گاه بریک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه؛(وعجیب‌تر آنکه) همة آنها از یک آب سیراب می‌شوند و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم؛ در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند. نگاه به این گونه‌های طبیعی و موجود در طبیعت، انسان عاقل را به سمت خالق این هستی هدایت می‌کند.

«و سخرلكم الليل و النهار...ان في ذلك لآيات لقوم يعقلون» (نحل: ۱۲)؛ این آیه نیز اشاره به نظام هستی دارد؛ یعنی: او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخر شمایند؛ در این، نشانه‌هایی است(از عظمت خدا) برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند. «و من ثمرات النخيل و الاعناب...ان في ذلك لآية لقوم يعقلون» (نحل: ۶۷)؛ و از این میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات(ناپاک) و

روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید؛ در این، نشانهٔ روشنی است برای جمعیتی که اندیشه می‌کنند. «اعلموا ان الله یحی الارض بعد موتها قد بینا لکم الایات لعلکم تعقلون.» (حدید: ۱۷)؛ بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند. ما آیات(خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید. آیات تکوینی که در ارتباط تعقل وجود داشته و از قلمرو و معانی آن به دست می‌آید، بیشتر ناظر به «توحیدربوبی»، حقانیت نبوت پیامبران الهی و معاد است.(کرمانی،۱۳۹۱: ۴۲).

## ۲. تشریعی

تعدادی دیگری از آیات ناظر به تشریع، قانون و مقررات اجتماعی‌اند. به عبارت دیگر آیاتی هستند که انسان‌ها را دستور به رفتار عقلانی و استفاده از عقل در زندگی اجتماعی همراه با آگاهی و علم، می‌دهند. «و تلك الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون» (عکنبوت: ۴۳)؛ این‌ها مثالهایی است که ما برای مردم می‌زنیم، و جز دانایان آن را درک نمی‌کنند. در این آیه معنای درک و آگاهی از نشانه‌هایی است که خداوند برای صاحبان علم و عقل بیان نموده و عمل به این آموزه‌های عقلی ضامن سعادت و صلاح در زندگی فردی و اجتماعی است، زیرا راه را از بیراه با نیروی عقل، فکر و اندیشه شناسایی نموده و در مسیر درستی حرکت می‌کند.

گاهی روابط اجتماعی مسلمان را با غیرمسلمان به خصوص روابط با دشمن و کسانی که خیر انسان را نمی‌خواهد به خوبی ترسیم نموده است.«یأیها الذین أمنوا لا تتخذوا بطانة من دونکم لا یألونکم خبالا ودوا ما عنتم قد بدت البغضاء من أفواههم و ما تخفی صدورهم أکبرقد بینا لکم الآیات ان کنتم تعقلون» (آل عمران: ۱۱۸)؛ای کسانی که ایمان آورده‌اید محرم اسراری از غیرخود، انتخاب نکنید. آنها از هرگونه شر و فسادی در بارهٔ شما، کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید.(نشانه‌های) دشمنی از دهان(وکلام)شان آشکار شده؛ و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهمتر است. ما آیات(و راه‌های پیشگیری از شر آنها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید.

«انا انزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون» (یوسف: ۲)؛ ما آن را قرآن عربی نازل کردیم، شاید شما درک کنید و بیندیشید. این آیات در باره داستان حضرت یوسف است که خداوند از طریق قرآن کریم به پیامبراسلام خبر می‌دهد. از مجموع آیات بعد از آیه دوم سوره یوسف برمی‌آید که زندگی اجتماعی انسانها دارای فراز و نشیب زیادی است. اگر عاقلانه رفتار نگردد ممکن است یا با حسودی دوستان نادان و یا با زیان و ضرر دشمنان قرار گیرد. چنانکه برادران حضرت یوسف بر اثری حسادت رفتار ناشایستی را نسبت به یوسف پیامبرانجام دادند.

در برخی آیات دیگر نسبت به مسایل عبادی و معنوی مانند اداء نماز که هم جنبه فردی و هم جنبه اجتماعی دارد مطرح گردیده است که در حقیقت قانون دینی را برای انسانها ترسیم می‌کند و کسانی که نسبت به آن بی توجهی می‌کنند از عقل و خرد درستی برخوردار نیستند. «آنها هنگامی که(آذان می‌گوید، و مردم را) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این بخاطر آن است که آنها جمعی نابخردند.»(مائده:۵۸). بنابراین، می‌توان گفت: در بیش از نیمی از موارد، «عقل» در قرآن که همراه «آیات» تشریعی یا تکوینی ذکر گشته و از این‌رو، مناسب است برای یافتن معنای «عقل» در قرآن به این نکته توجه شود.

بنابراین اینها مواردی است که «آیه» یا «آیات» در آن‌ها به صراحت ذکر شده است، اما موارد دیگری نیز وجود دارند که اگرچه به صورت صریح در آن‌ها ذکر نشده، اما به صورت مصداقی از آیات تشریعی یا تکوینی بحث می‌شود. برای مثال:«و هو الذي يحيي و يميت و له اختلاف الليل و النهار افلا تعقلون» (مؤمنون: ۸۰)؛و او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند؛ و رفت و آمد شب و روز از آن اوست، آیا اندیشه نمی‌کنید. در این آیه هرچند اشاره به مسایل تکوینی و تشریعی ندارد اما به صورت مصداقی به مبدأ اصلی جهان هستی و انسان‌ها اشاره می‌کند که زندگی و مرگ انسان و منشأ اختلاف شب و روز به دست خداوند است و دیگران تأثیری ندارد.

## کاربردهای عقل در قرآن کریم

اگر به‌طور دقیق‌تر هئیت به‌کار رفته واژه تعقل بررسی گردد، می‌توان گفت: از این میان

۲۷مورد به صورت نفی ذکرشده که اغلب آنها به صورت استفهامی همراه با مذمت و سرزنش آمده است.(احسانی،۱۳۹۳: ۵۴).«و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفینا علیه آباءنا أ ولو کان آباؤهم لا یعقلون شیئا و لا یهتدون» (بقره: ۱۷۰)؛ و هنگامی که به آنها گفته شود: از آن‌چه خداوند نازل کرده است، پیروی کنید. می‌گویند: نه ما از آن‌چه پدران خود را برآن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا اگر پدران آن‌ها چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند(باز از آن‌ها پیروی خواهند کرد؟)آن‌چه از آیات قبل و بعدش یا به عبارت دیگر از سیاق برمی‌آید این است که پیروی از خداوند و حقیقت، ضرورت انکار ناپذیر است و شیطان در صدد انحراف شما است تا از راه درست منحرف سازد. آیاتی دیگری نیز وجود دارد که مضمون سرزنش و مذمت را در بردارد.

و ۱۰مرتبه همراه با کلمه«لعل» به معنای امید«..کذلك یبین الله لکم الآیات لعلکم تعقلون.» (نور: ۶۱)؛...این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می‌کند، باشد که بیندیشید. در این گونه آیات روابط درست فرد را با دیگران مطرح می‌کند تا شاید بهترین رفتار و اعمال را نسبت به همدیگر داشته باشند.«قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئا...ذلکم وصاکم به لعلکم تعقلون.» (انعام: ۱۵۱)؛ بگو: بیایید انچه را پروردگارتان برشما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید... این چیزی است که خداوند به آن سفارش کرده، شاید درک کنید.

و مواردی با حرف شرط«إن» آمده است که به معنای شک و تردید است.«ان في خلق السموات والارض....لآیات لقوم یعقلون» (بقره: ۱۶۴)؛در آفرینش آسمان‌ها و زمین،... نشانه‌هایی است برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند. در آفرینش آسمان‌ها و زمین و درامد شب و روز و بسیار از تحولات و دگرگونی‌های جهان هستی و «همة اینها نشانه‌ها و علامات ذات پاک او هستند اما برای مردمی که عقل و هوش دارند و می‌اندیشند نه برای بی خبران سبک مغز، چشم‌داران بی‌بصیرت و گوش‌داران کر!»(مکارم شیرازی،۱۳۹۲: ۶۳۷). در این آیه کسانی که نسبت به ذات پاک خداوند دارای شک و تردید است، نشانه‌هایی را بیان می‌کند تا به واسطه آن و با استفاده از نیروی عقل خویش از به حقانیت الهی پی برده و از

تردید نسبت به خداوند بیرون آیند اگر آنان از عقل خود ازاین علایم وجودی و نشانه‌ها استفاده کنند.

«فقلنا اضربوه ببعضها کذلك یحی‌الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون» (بقره: ۷۳)؛ سپس گفتیم:«قسمتی از گاو را به مقتول بزنید(قاتل را معرفی کند). خداوند این گونه مردگان را زنده می‌کند، و آیات خود را به شما نشان می‌دهد، شاید اندیشه کنید».

در چند مورد با جمله و هئیت خبری مانند«قوم لایعقلون» و «اکثرهم لا یعقلون» به کار رفته«و من آیاته یریکم البرق خوفا و طمعا...ان فی ذلك لآیات لقوم یعقلون» (روم: ۲۴). «ضرب لکم مثلا...کذلك نفصل الآیات لقوم یعقلون» (روم: ۲۸)؛ مفسرین از جملة«نفصل الآیات لقوم یعقلون» استفاده نموده که این جمله زمینه را برای آیات بعد فراهم می‌سازد و معنای آن در تقدیر چنین است که مشرکین شرک خود را براساس تعقل بنا ننهاده‌اند، بلکه از هواهای خود پیروی کردند، بدون اینکه علمی داشته باشند.(طباطبایی، ۱۳۹۰:ج۱۶: ۲۶۵). «و اختلاف اللیل و النهار...آیات لقوم یعقلون» (جاثیه: ۲۵)؛ و نیز در آمد و شد شب و روز، و رزق که خداوند از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و همچنین در وزش بادها، نشانه‌های روشنی است برای گروهی که اهل تفکرند.

این آیات به‌معنای قطعیت و عدم خردورزی است؛ یعنی اکثری آدمیان خردورز و ژرف‌نگر نیستند، بلکه با ظاهربینی به مسایل می‌نگرند وبه عمق پدیده‌ها راه نمیابند و در همان ظاهربینی متوقف می‌شوند و از رسیدن به حقیقت و سعادت باز می‌مانند. هرچند بعضی انسان‌ها خردورز و اهل تعقل و خردوزند.(احسانی،۱۳۹۳: ۵۴).

با توجه به کاربردهای عقل در قرآن کریم می‌توان ادعا نمود که هئیت‌های مختلف آیات دلالت بر عدم تعقل و خردوزی آدمیان دلالت دارند و انسان براثر غفلت، سرگرمی به مادیات دنیا و پیروی از هوا و هوس از نیروی فکر و اندیشه در شناخت حقایق بهره نگرفته و از صراط مستقیم باز می‌ماند. پس جا دارد که توجه جدی و اهتمام ویژه‌ای نسبت به پرورش و تربیت عقلانی داشته باشد تا این استعداد خدادی انسان به شکوفایی برسد. زیرا تعطیلی فکر و خرد از آسیب‌های جدی زندگی بشر است که باید در پیشگیری از آن چاره جویی کرد؛ همان گونه

که قرآن کریم زمینه‌های رشد عقل و تعقل را فراهم و راهکارهای آن را نیز ارائه کرده است.

نکته مهم دیگری که از آیات تعقل استفاده می‌شود این است که بحث از عقلانیت در حوزه اعتقادی اولویت دارد؛ چراکه با اصلاح اعتقاد به مبدأ و معاد و نبوت، رفتار انسان نیز اصلاح می‌گردد، زیرا رفتار برایند باورها و انگیزه‌های درونی است.(احسانی،۱۳۹۳: ۵۵).

## تربیت عقلانی در قرآن کریم

هرچند بحث از تربیت عقلانی در قرآن کریم بسیار بسیط و گسترده است. مبانی، اصول، عوامل، روش‌ها و موانعی را برای این بعد از ابعاد وجودی و ساحتی انسان همانند سایر ساحت‌های تربیتی می‌توان مطرح نمود. با توجه به مفهوم شناسی عقل و سایر مباحث گذشته که مورد بررسی قرار گرفت، مناسب است تا به تربیت عقلانی بپردازد. در این زمینه بیشتر روی دو موضوع مبنایی تأکید شده است، یعنی تربیت‌پذیری و هدایت‌گری در قرآن کریم. زیرا اگر این دو موضوع اثبات گردید که عقل انسان هم استعداد پرورش و تربیت را دارد و هم نقش اساسی در هدایت و رهنمون سازی به سوی سعادت دنیا و آخرت را؛ سایر مؤلفه‌ها و عناصرتربیتی را به نحوی پوشش می‌دهد. زیرا تربیت‌پذیری و هدایت‌گری از مهمترین مبانی تربیت عقلانی به حساب می‌آید وقتی مبانی یک موضوع به دست آمد سایر ملزومات آن نیز از آن مبانی حاصل می‌گردد. در حوزه کاربردی هم عقل متربی براساس مبانی، عوامل و روش‌های تربیتی طوری باید پرورش یابد که جنبه هدایت‌گری وی برجسته و مورد توجه قرار گیرد.

البته بحث از تربیت عقلانی در اینجا ممکن است فراتر از آیات قرآن کریم مطرح گردد، یعنی نظرات صاحب‌نظران تربیتی نیز ملاحظه گردیده و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## تربیت‌پذیری عقل در قرآن کریم

انسان به عنوان موضوع تربیت، دارای خصوصیت تحول‌پذیری و دگرگونی است و همة ابعاد وجودی او تربیت‌پذیر و قابلیت تغییر را دارد. او به گونه‌ای آفریده شده که می‌تواند با آگاهی و آزادی حق انتخاب داشته و مسیری را برای خود تعیین کند، شخصیت، هویت

فکری و اخلاقی فرهنگی خویش را شکل دهد.(کاردان و همکاران،۱۳۷۴ :ج۱: ۵۰۷). وقتی ساختار وجودی شخص به گونه‌ای باشد که اقتضای تغییر را داشته باشد، عقل و خرد او نیز بدون تردید که جزء این ساخت وجودی انسان است تربیت‌پذیر خواهد بود. امام علی(ع) نیز می‌فرماید:«العقل غریزة تزید بالعلم و التجارب»(ری شهری،۱۳۹۰ :ج۲: ۸۶۴)؛ خرد غریزه‌ای است که با دانش و تجربه افزایش می‌یابد.

قرآن کریم بر تربیت‌پذیری عقل انسان دلالت می‌کند. دسته‌ای از آیات، که انسان را به تعقل فرا می‌خوانند و دسته‌ای دیگری انسان را به خاطر عدم تفکر و اندیشه‌ورزی مورد نکوهش و سرزنش قرار می‌دهند؛ بیانگر و دلیل بر تغییر و تربیت‌پذیری عقل انسان هستند. اگر عقل انسان قابلیت تربیت را نداشت، امر و نهی، سرزنش و نکوهش معنا نداشت. با این وصف نیروی عقلانی با تفکر صحیح رشد و شکوفا می‌شود و فرد را به حق و حقیقت هدایت می‌کند. برعکس با عدم و نبود تفکر و اندیشه و یا خیالات واهی و باطل این نیرو و استعداد ضعیف گردیده و در نهایت کارایی خود را از دست می‌دهد. از این دو دسته آیات در قرآن کریم فراوانند که در مجموع خردورزی و تعقل را عامل هدایت و نجات بشر و استفاده نکردن از سرمایه عقل را موجب گمراهی و شقاوت آدمی دانسته‌اند.(احسانی،۱۳۹۳: ۶۷-۶۸).

نمونه‌ای از آیاتی که نقش هدایتی عقل و خرد را بیان می‌کند:«الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السماوات و الأرض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار»(ال‌عمران:۱۹۱)؛ همانهای که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند، بارالها، اینها را بیهوده نیافریده‌ای. منزهی تو. ما را از عذاب آتش نگه دار. براساس این آیه کسانی که خدا را عبادت می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین که نشانهٔ از خلقت و قدرت الهی است می‌اندیشند، از نجات یافته‌گان‌اند و از سعادت دنیا و آخرت بهره‌مندند.

اما در مقابل کسانی هم هستند که جزء گمراهان به حساب می‌آیند:«و لقد أضل منکم جبلا کثیرا أفلم تکونوا تعقلون»(یس:۶۲)؛ او[شیطان] گروه زیادی از شما را گمراه کرد. آیا

اندیشه نکردید؟ در واقع عدم تعقل این گروه زمینه‌ساز گرفتاری آنها در دام شیطان شده است و در نتیجه آنان فریب وی را خورده‌اند. این مبنای مهم تربیت عقلانی انسان را به این سمت و سو هدایت می‌کند که عقل و اندیشه فرد به عنوان یکی از ساختار وجودی وی قابلیت تغییر و دگرگونی را دارد. پرورش و تربیت درست نیروی عقلی زمینه را برای تشخیص خیر و صلاح و انتخاب مسیر صحیح را فراهم می‌نماید و از بیراه نجات پیدا خواهد نمود. آنگاه توانمندی و کارایی بسیاری را در محدوده و چارچوب اصلی خویش از مبدأ و معاد تا حل مشکلات در حوزه زندگی فردی، اجتماعی و دینی خواهد داشت.

بنابراین به این نکته مهم باید توجه نمود که تعالیم قرآن کریم صرفا برای آگاه ساختن نیست، بلکه برای پرورش عقل انسان‌هاست.«و تلک الأمثال نضربها للناس و ما یعقلها إلاالعالمون»(عنکبوت:۴۳)؛ این مثالهای حکیمانه و دقیق را برای مردم می‌آوریم، ولی غیر از آگاهان، کسی این مثلها را درک نمی‌کند. «این بیان نورانی نشان می‌دهد که علم و فکر دستمایه و ابزار دلمایه و عاقل شدن است. عالم شدن سخت نیست اما عاقل شدن بسیار دشوار است و تمام قوانین دین و کوشش رهبران دینی برای این است که انسان را پس از وصول به علم، عاقل کندو عاقل کسی است که معارف الهی را خوب بفهمد و به یافته‌هایش نیز خوب معتقد شود و در مقام عمل هم خوب عمل کند.»(جوادی‌آملی،۱۳۸۳: ۱۸۴). با توجه به این آیات و دیدگاه صاحب نظران تفسیر قرآن کریم و مربیان، عقل یکی از مهمترین بعد انسانی است که با ابزار و ایجاد زمینه‌های لازم می‌توان به پرورش و رشد آن اقدام نمود.

## هدایت‌گری عقل در قرآن کریم

قرآن کریم کتاب هدایت و تربیت است. مسیر زندگی و راه‌های رسیدن به حق و تقرب الهی را فراهم می‌سازد. مباحث عقلی که در قرآن مطرح شده جنبه هدایت‌گری دارد و انسان به واسطه آن مسیر درست را از نادرست تشخیص می‌دهد. جایگاه عقل در روایات بسیار برجسته و مهم است و آن را به عنوان حجت باطنی در کنار انبیاء و ائمه معصومان قرار داده است. روایتی از امام کاظم(ع) است که می‌فرماید:«إن الله علی الناس حجتین: حجة ظاهرة

و حجت باطنة، فأما الظاهرة فالرسول و الأنبياء و الأئمه و أما الباطنة فالعقول»(محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ :ج۷: ۵۰۳)؛ خداوند را بر مردم دو حجت است: حجت بیرونی و حجتی درونی. حجت بیرونی همان فرستادگان و پیامبران و امامان(ع) هستند و حجت درونی عقل آدمی است.

قرآن کریم زمینه‌های تربیت عقلانی را فراهم ساخته است تا انسان خرد و عقل خود را شکوفا سازد و به هدایتگری و راهنمایی بپردازد. بیش از سیصدآیه در قرآن بشر را به تعقل و تفکر و تدبر در آیات آفاقی و انفسی فرا خوانده است. روشهایی همانند علم آموزی و تجربه اندوزی و تزکیه نفس در پرورش عقل را می‌توان از قرآن کریم استخراج کرد تا با استفاده از این روشها فکر بشر رشد کند و در نتیجه به حیات طیبه و قرب الهی برسد.(بهشتی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

در هرصورت جنبه هدایتگری عقل از مهمترین مبانی تربیت عقلانی به حساب می‌آید و باید به پرورش و شکوفاسازی آن پرداخت تا به عنوان حجت باطنی در کنار حجت ظاهری هماهنگ ایفای نقش کند، چرا که عقل به مثابه حجت باطنی یکی از مهمترین ابزار شناخت در تشخیص حق از باطل به حساب می‌آید(احسانی، ۱۳۹۳: ۷۸). قرآن کریم، کتاب هدایت انسان است و باید او را در تمام ساحات و ابعاد و استعدادهای ارزندهٔ وجودی‌اش در نظر گرفت به همین دلیل بخشی از رهنمودهای قرآن برای پرورش و تربیت عقل و فکر انسان سامان یافته است. خداوند گاهی نزول قرآن را برای تفکر و تعقل حصولی مردم و مؤمنان و علم آموزی به آنان می‌داند و گاهی برای شهود حقیقت و شفای دل و جان و رسانیدن مردم به سلامت کامل و جاویدانی.(جوادی آملی،۱۳۸۳: ۱۸۱). بنابراین یکی از مهمترین مبنای تربیت عقلانی که نقش برجسته در تشخیص راه از بیراه دارد، هدایت در قرآن کریم است. این بعد انسانی را باید به صورت درست و صحیح تربیت نمود تا سایر ابعاد وجودی انسان نیز همراه با بعد عقلانی وی رشد یافته و به تکامل نهایی نایل گردد.

## بررسی و نتیجه‌گیری

با توجه به واژه‌های تعقل که ده‌ها بار در قرآن کریم به کار رفته و کلمات هم معنا مانند لب و...، تا حدودی در چند معنا و کاربرد مشخص که بیشترین آن همراه با استفهام انکاری و جنبه مذمت و سرزنش دارند، مورد استفاده قرار گرفته است و براین اساس کسانی که از نیروی عقلانی خود استفاده نمی‌کنند مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. آیاتی دیگری که کلمات عقل در آن به کار رفته شک و تردید را مطرح می‌کنند و آن نسبت به کسانی است که توجه به نشانه‌هایی الهی نداشته و از عقل خود استفاده نکرده و به راحتی به حقیقت و حقانیت الهی دست پیدا نخواهد کرد. کاربردهای دیگری عقل در قرآن کریم، معنای امیدبخشی است که شاید انسان با توجه به دستورات و نشانه‌های الهی روابط خود را با دیگران و خداوند اصلاح نموده و درست استفاده کنند.

به طور کلی و در مجموع آیات تعقل شامل حوزه تکوینی و تشریعی می‌گردد، هرچند معانی عامی دیگری نیز ممکن است خارج از این دو حوزه به دست آید، ولی به صورت غالبی همین دو قلمرو را دربر می‌گیرند. حوزه تکوینی بحث از جهان هستی و نشانه‌های خداوند است که فرد را به سمت وسوی معبود واحد و مبدأ و معاد هدایت می‌کند. در حوزه تشریعی بیشتر شامل نظام و قوانینی می‌گردد که مربوط به زندگی اجتماعی انسان‌ها و روابط آن‌ها با دیگران اعم از خداوند و مردم می‌گردد و در صورت استفاده درست از نیروی عقلانی سیستم و نظام اجتماعی سالمی که براساس دستورات الهی است پایه‌ریزی خواهد شد.

بنابراین از مجموع مباحث گذشته می‌توان گفت که یکی از واژه‌های مهم و کاربردی در قرآن کریم، عقل یا تعقل است. این استعداد و نیروی الهی که خداوند به بشر ارزانی داشته و در ذات او نهفته است در زندگی انسان‌ها بسیار اساسی و کاربردی است. زیرا فساد و صلاح مادی و معنوی با مقیاس و میزان تعقل مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. قلمروهای عقلانی در قرآن کریم به صورت وسیع و گسترده مطرح گردیده که هم شامل حوزه شناختی در باره جهان هستی، مبدأ و معاد می‌گردد و نیز علائم و نشانه‌هایی را مطرح می‌کند که انسان را به سمت و سوی خدا شناسی و اعتقاد به خداوند رهنمون می‌سازد. در عین حال تربیت

عقلانی روابط اجتماعی فرد را با دیگران نیز به خوبی ترسیم نموده است.

شکی نیست که موجودی به نام عقل در وجود انسان نهفته است هرچند ممکن است با ابزار حسی و تجربی قابل آزمایش و مشاهده عینی نباشد اما اصل وجودش تردید بردار نیست و یکی از ساحت‌ها و ابعاد وجودی انسان را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین مسأله در اینجا این است که بعد عقلی انسان قابلیت تغییرپذیری را دارد و به واسطه تربیت مناسب، نیروی عقلانی انسان شکوفا گردیده و در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، فردی، معنوی و مادی کاملا تأثیرگذار است.

در قرآن کریم هم جنبه تربیت‌پذیری و نیز هدایت انسان مطرح گردیده که با ابزار عقل و خرد سعادت وی تضمین می‌گردد. زیرا رفتار و عملکردی که با استفاده از عقل و آگاهی صورت گرفته باشد، قطعا مواجه با ضرر و زیان نخواهد شد و یا می‌توان ادعا نمود که استفاده درست از نیروی عقلانی مشکلات فرد به حد اقل خواهد رسید.

## کتابنامه


ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد(۱۴۰۴ق)، **معجم مقایسة الغه**، بی‌جا، مرکزالنشر- مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمدبن مکرم(۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت:دارصادر، چاپ سوم.

احسانی، محمد(۱۳۹۳)، **تربیت عقلانی از منظرقرآن کریم**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

بهشتی، محمد(۱۳۸۷)، **مبانی تربیت از دیدگاه قرآن**،تهران:سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله(۱۳۸۳)، **تفسیرموضوعی قرآن کریم**(هدایت در قرآن)، قم:اسراء، چاپ اول.

راغب اصفهانی،حسین بن محمد(۱۴۱۲ق)،**المفردات فی غریب القرآن**، دمشق وبیروت:دارالعلم الدارالشام، چاپ اول.

ربانی‌گلپایگانی، علی(۱۳۹۲)، **عقل و دین در پرتو قرآن کریم**، قم: نشر راند، چاپ اول.

طباطبایی، محمدحسین(۱۳۹۰)،**ترجمه تفسیرالمیزان**،ج۱۶، مترجم:سیدمحمدباقرموسوی همدانی،قم:دفترانتشارات اسلامی.

کاردان، علی محمد و دیگران(۱۳۷۴)،**فلسفه تعلیم و تربیت**، ج۱، تهران: سمت و دفترهمکاری حوزه و دانشگاه چاپ دوم.

کرمانی، سعید(۱۳۹۲)،**معنی شناسی عقل در قرآن کریم با تکیه بر نظریه‌ی حوزه‌های معنایی**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول.

محمدی ری‌شهری، محمد(۱۳۹۰)، **منتخب میزان الحکمة**،ج۲،قم:سازمان چاپ و نشر دارالحدیث،چاپ دهم.

محمدی ری‌شهری،محمد(۱۳۹۰)، **میزان الحکمة**،ج۷،قم:سازمان چاپ و نشر دارالحدیث،چاپ هفتم.

مصطفوی، حسن(۱۳۶۰)، **التحقیق فی کلمات قرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشرکتاب.

مکارم شیرازی،ناصر(۱۳۹۲)، **تفسیرنمونه**،ج۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ شصت ویکم.
امینی،(۱۳۹۵)،
کریمی، مرزبان(۱۳۸۹)، **مباحثی از تاریخ، علوم و معارف قرآن**، شهرکرد:سدره المنتهی، چاپ اول.
http://www.hawzah.net/Per/Magazine/MR/Index.htm
http://www.hawzah.net/Per/Magazine/MR/Index.htm